

**نویسنده :** خبرنگار کریدل .  
**منبع و تاریخ نشر :** کریدل «2025-09-25» .  
**برگردان :** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

## سوریه پس از اسد: جولانی در راه روی روابط امنیتی با اسرائیل باز می‌کند

### *Post-Assad Syria: Julani opens the door to security ties with Israel*

این گروه پدرخوانده‌ی القاعده، شعارهای «مقاومت» را با یک کرسی در میز  
واشنگتن و یک سفارتخانه‌ی احتمالی در تل‌آویو معاوضه کرده است.

*The Al-Qaeda progenitor has traded 'resistance' slogans for a seat  
at Washington's table and a potential embassy in Tel Avi*

\*\*\*\*\*

***“We destroyed America with a civilian plane. The Trade  
Tower is now a pile of rubble.”***

«ما آمریکا را با یک هواپیمای غیرنظامی نابود کردیم. برج تجارت اکنون به تلی از آوار  
تبدیل شده است.»



این جمله یکی از بدنام‌ترین سرودهای جبهه نصرت است که تحت رهبری بنیانگذار آن، ابو محمد الجولانی، سروده شده و از آن زمان به احمد الشرع، رئیس جمهور سوریه تغییر نام داده است. این گروه که زمانی وابسته رسمی القاعده بود، بعداً به هیئت تحریر الشام (HTS) تغییر نام داد - که اکنون در نیروهای امنیتی پس از بشار اسد سوریه ادغام شده و توسط خود الشرع رهبری می‌شود. یک دهه پس از آنکه قول داد سوریه را به گورستانی برای غرب تبدیل کند، جولانی وارد نیویورک شد.

## ۲۴ سال پس از ۱۱ سپتامبر، نیویورک میزبان فرمانده سابق القاعده است

شرع که زمانی یک تروریست تعیین شده توسط ایالات متحده با جایزه بزرگ برای سرش بود به عنوان رئیس دولت، رهبران جهان را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد (UNGA) خطاب کرد.

"ما آمریکا را با یک هواپیمای غیرنظامی نابود کردیم... برج تجارت اکنون به تلی از آوار تبدیل شده است" - این جمله از آهنگی از جبهه نصرت، که توسط احمد الشرع (جولانی) تأسیس و رهبری می‌شود، یکی از شناخته‌شده‌ترین سرودهای این گروه است. این جمله به تخریب مرکز تجارت جهانی در نیویورک اشاره دارد - شهری که خود جولانی اکنون با یک هواپیمای غیرنظامی از آن بازدید می‌کند.

جمله دیگری، از سرود رسمی جبهه نصرت در سال ۲۰۱۴، اعلام می‌کند: "تلگرامی به آمریکای صلیبی بفرستید. قبر شما در سوریه است و جبهه ما پیروز است."

این جمله در زمانی تصویب شد که جناح جولانی هنوز در حال انجام حملات انتحاری هماهنگ در سراسر شام بود. امروز، همان چهره در منتهن قدم می‌زند و با مقامات آمریکایی در حال بحث و گفتگو است که به نوعی اجرای بدبینانه تغییر نام سیاسی محسوب می‌شود.

جولانی زمانی به همدستان القاعده خود اطمینان داده بود که «آزادی سوریه، آزادسازی الاقصی [در اورشلیم] را به دنبال خواهد داشت.» اما این هفته، در اظهاراتی در مجمع عمومی سازمان ملل، اعلام کرد که «ما کسانی نیستیم که برای اسرائیل مشکل ایجاد می‌کنیم. ما از اسرائیل می‌ترسیم، نه برعکس.»

این همان جولانی است که نیروهایش زمانی مواضع ارتش سوریه در قنیطره را تصرف کردند، تپه‌های مشرف به سرزمین اشغالی را گلوله‌باران کردند و سیستم‌های دفاع هوایی را از کار انداختند. تل‌آویو با انتقال هوایی جنگجویان زخمی النصره به بیمارستان‌های اسرائیل پاسخ داد. اکنون، همان مردی که به گشودن جبهه جنوبی سوریه به روی مداخله اسرائیل کمک کرد، از یک منطقه غیرنظامی صحبت می‌کند - منطقه‌ای که

ممکن است از همان ابتدا، به عنوان بخشی از گذار پس از برکناری بشار اسد، رئیس جمهور سابق سوریه، در حال آماده‌سازی آن بوده باشد.

هنگامی که دولت عساف در ۸ دسامبر ۲۰۲۴ سقوط کرد، امواج جدیدی از بی‌ثباتی و عدم اطمینان در سراسر منطقه به وجود آمد. جولانی، که زمانی به عنوان فرستاده القاعده به سوریه خدمت می‌کرد، در خط مقدم یک کمپین هماهنگ شده با غرب برای سرنگونی دژهای باقی‌مانده سوریه در عرض چند روز ظاهر شد.

با این حال، تغییر عمیق‌تر، تغییری است که اکنون تحت حکومت او در حال وقوع است، سوریه‌ای که دیگر بخشی از محور مقاومت غرب آسیا نیست. سوریه امروز با الزامات غربی شکل گرفته است، جایی که مشروعیت از مذاکرات عادی‌سازی با اسرائیل سرچشمه می‌گیرد.

سفر جولانی به نیویورک، به همراه وزیر امور خارجه‌اش، اسعد الشیبانی، در ببحوجه تلاش‌های ایالات متحده برای ایجاد یک توافق امنیتی با اسرائیل انجام می‌شود که نقشه نظامی جنوب سوریه را از نو ترسیم می‌کند. یک «منطقه غیرنظامی» پیشنهادی، که از طریق مذاکرات آرام ایجاد شده و با ضمانت‌های امنیتی غرب اجرا می‌شود، می‌تواند این تحول را تثبیت کند.

این چرخش سیاسی سوالات حیاتی را مطرح می‌کند: آیا دمشق واقعاً در حال یک تحول استراتژیک به سمت تفاهم با تل‌آویو است، یا این یک مانور تاکتیکی برای کسب مشروعیت بین‌المللی است؟ محدودیت‌ها و پیامدهای این تغییر برای سوریه و منطقه وسیع‌تر چیست؟

## از دشمن اسرائیل تا شریک بالفعل آن

صعود جولانی به قدرت از خلأ حاصل نشد. این امر نتیجه تلاش‌های هم‌گرای بین‌المللی و منطقه‌ای برای فرسایش زیرساخت‌های نظامی و امنیتی دولت سوریه از طریق دهه‌ها جنگ ترکیبی، محاصره اقتصادی و انزوای دیپلماتیک بود. روزی که دمشق سقوط کرد، جولانی در مسجد تاریخی اموی حاضر شد تا «فرقه‌گرایی» و جایگاه این کشور به عنوان «مزرعه طمع ایران» را محکوم کند. او با تصویر کردن خود به عنوان یک متحدکننده، ادعا کرد که سوریه «هیچ قصدی» برای ورود به جنگ‌های آینده ندارد و از حزب‌الله و ایران، نه اسرائیل، به عنوان تهدید واقعی نام برد. آبراهام کوپر، خاخام آمریکایی، که پس از آن با جولانی دیدار کرد، به نقل از او گفت که سوریه و اسرائیل «دیگر دشمن نیستند».

این چرخش کلامی، آمادگی دمشق را برای گشودن فصلی جدید نشان داد، که ناشی از این واقعیت تلخ بود که پس از ۱۴ سال جنگ، سوریه‌ای که از نظر نظامی و اقتصادی فرسوده شده بود، نمی‌توانست از پس خصومت با همسایه قدرتمند خود برآید. اگرچه اسرائیل عامل اصلی ظهور هیئت تحریر الشام نبود، اما عملیات نظامی و اطلاعاتی آن به

ایجاد شرایطی کمک کرد که به سقوط اسد منجر شد. طی یک دهه، اسرائیل «نبردی بین جنگ‌ها» را با هدف قرار دادن نیروهای ایرانی و حزب‌الله در سوریه آغاز کرد.

این حملات که در سال ۲۰۲۴ به طور قابل توجهی تشدید شد، هم ارتش اسد و هم متحد لبنانی او را به شدت تضعیف کرد. هنگامی که مخالفان حمله نهایی خود را - به طرز شگفت‌آوری با رضایت روسیه - آغاز کردند، نیروهای اسد فاقد حمایت نظامی خارجی بودند که در سال ۲۰۱۵ آنها را نجات داده بود و فروپاشی آنها را سریع و اجتناب‌ناپذیر کرد.

تل‌آویو وقت را تلف نکرد و به سرعت خلاء را پر کرد، سمت سوری کوه هرمون را تصرف کرد و عملیات «باشان آرو» را که در کتاب مقدس نامگذاری شده بود، آغاز کرد که تخمین زده می‌شود ۸۰ درصد از قابلیت‌های استراتژیک باقی‌مانده سوریه را نابود کرد.

این اقدام جسورانه به جای صرفاً تأمین امنیت مرزها، با هدف تحمیل یک واقعیت جدید انجام شد و تضمین کرد که هر دولت آینده سوریه برای مقابله با اسرائیل بسیار ضعیف خواهد بود.

## تغییر نام امیر

جولانی خیلی زود فهمید که قدرت به تنهایی بقای او را تضمین نمی‌کند. او به قدردانی نیاز داشت - نه فقط از سوی حامیان منطقه‌ای، بلکه از سوی واشنگتن. او از آن زمان با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از امارات متحده عربی دیدار کرده، و با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، مشورت کرده است - و این سفر به طور نمادین به عنوان اولین سفر خارجی او به عنوان رئیس‌جمهور انجام شده است.

پیام‌های عمومی او اکنون مخاطبان غربی را هدف قرار می‌دهد: حمایت از حقوق اقلیت‌ها، محکوم کردن «توسعه‌طلبی ایران» و تأکید بر ثبات بر ایدئولوژی. هیچ‌یک از این‌ها منعکس‌کننده شرایط میدانی نیست، جایی که هیئت تحریر الشام هنوز یک حکومت سختگیرانه در ادلب اعمال می‌کند، در حالی که نیروهای امنیتی قتل‌عام‌های فرقه‌ای انجام داده‌اند. اما برداشت همه چیز است.

سفر به نیویورک، ماه‌ها لابی‌گری پشت پرده با هدف لغو تحریم‌ها و تأمین بودجه بازسازی را به اوج خود می‌رساند. درخواست جولانی برای غرب ساده است: او به تنهایی می‌تواند سوریه را تثبیت کند، نفوذ ایران را مهار کند و در زمینه امنیت مرزی با اسرائیل همکاری کند.

طبق گزارش‌ها، مذاکرات شامل استقرار نیروهای نظامی ایالات متحده در شمال شرقی سوریه بود، جایی که واشنگتن هنوز از نیروهای تحت رهبری کردها حمایت می‌کند. عکس گرفتن با ترامپ پیام روشنی به منطقه و رقبای داخلی جولانی می‌فرستد که

ایالات متحده از نظم جدید حمایت می‌کند. این همچنین در مورد زدن ترکیه و عربستان سعودی است که هنوز برای نفوذ در سوریه پس از اسد رقابت می‌کنند. جولانی با تعامل مستقیم با واشنگتن، استقلال خود را اعلام می‌کند و نفوذ خود را بر حامیان منطقه‌ای اش تثبیت می‌کند.

## توافق جدید برای جنوب سوریه

توافق امنیتی پیشنهادی با اسرائیل سنگ بنای این رویکرد جدید سوریه است. این توافق نتیجه مستقیم تسلط نظامی اسرائیل بر زمین پس از اسد است. به گفته جولانی، مذاکرات با میانجیگری ایالات متحده با هدف ایجاد ترتیبات مرزی جدید انجام می‌شود و شواهد نشان می‌دهد که این ترتیبات در حال اجرا هستند.

از زمان برکناری اسد، نیروهای اسرائیلی وارد عمق خاک سوریه شده‌اند، کل منطقه حائل نیروهای حافظ صلح سازمان ملل را تصرف کرده‌اند و از آن فراتر رفته و یک منطقه امنیتی بالفعل ایجاد کرده‌اند. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، آشکارا خواستار آن شده است که قنیطره، درعا و سویدا - کل منطقه جنوبی - به عنوان مناطق غیرنظامی تعیین شوند. توافق در شرف انجام، این واقعیت را رسمیت می‌بخشد و همانطور که جولانی اشاره کرده است، می‌تواند شامل نیروهای ناظر بین‌المللی نیز باشد.

برخلاف توافق‌نامه جدایی ۱۹۷۴ که پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ امضا شد و بین دو کشور مستقل امضا شد، توافق‌نامه امروز توسط یک قدرت مسلط به یک مشتری پراکنده دیکته می‌شود. جولانی علناً اذعان کرده است که بلندی‌های جولان اشغالی و کوه هرمون روی میز مذاکره نیستند - اعتراف ضمنی به اینکه سوریه فعلاً شرایط اسرائیل را می‌پذیرد.

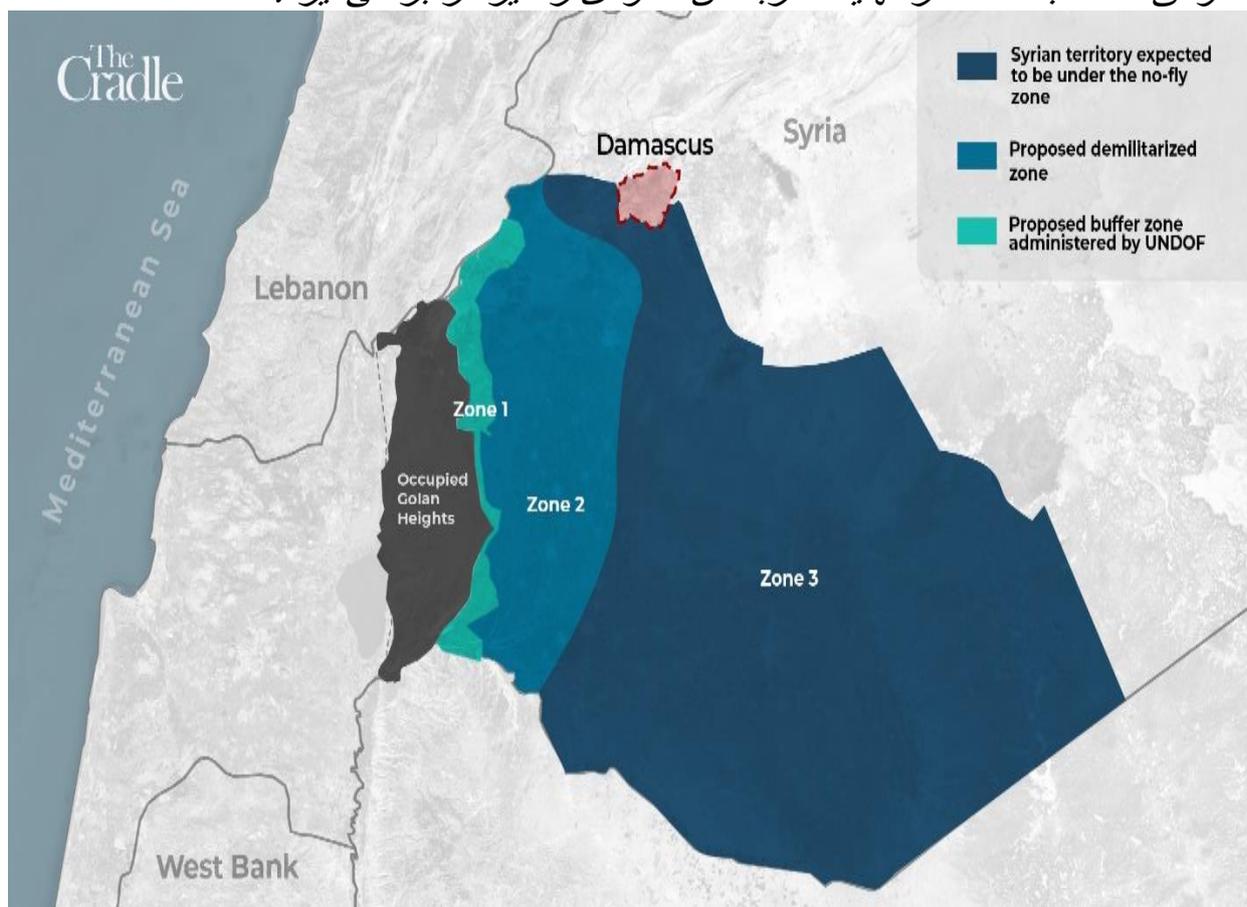
برای اسرائیل، هدف واضح است. از بین بردن تمام تهدیدات ناشی از سوریه، چه از بقایای مقاومت و چه از ارتش ملی آینده. منطقه غیرنظامی قرار است سپر مقدم آن باشد. مقامات آمریکایی تهاجمات اسرائیل را به عنوان "اقدامات موقت" برای جلوگیری از گسترش سلاح توصیف کرده‌اند، یک حسن تعبیر دیپلماتیک که همسوی کامل با دستور کار نظامی تل آویو را پنهان می‌کند.

بازیگران منطقه‌ای تاکنون موافقت ضمنی خود را نشان داده‌اند. ترکیه و عربستان سعودی، که هر دو در گذار سوریه سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اعتراضی نکرده‌اند. اما چالش واقعی در درون نهفته است. افکار عمومی سوریه، حتی تحت دولت جدید، همچنان عمیقاً با اسرائیل خصمانه است.

اعتراضات در جنوب از قبل فوران کرده است و حضور اسرائیل را رد می‌کنند و نیروهای اشغالگر را به آواره کردن غیرنظامیان و تخریب زیرساخت‌ها متهم می‌کنند. رهبران محلی دروزی، که زمانی به عنوان همکاران بالقوه دیده می‌شدند، این توافق را محکوم کرده و هویت عربی سوریه را تأیید کرده‌اند.

اما این صرفاً یک مانع روانی نیست که باید بر آن غلبه کرد. نگرانی‌های جدی وجود دارد که یک منطقه غیرنظامی به معنای واگذاری حاکمیت باشد - هزینه سنگینی برای به رسمیت شناختن بین‌المللی. برخی می‌ترسند که این امر منجر به امتیازات دائمی شود که هیچ دولت انتقالی اختیار قانونی برای ارائه آن را ندارد. بزرگترین سؤال همچنان باقی است که آیا این توافق، آغاز عادی‌سازی کامل سیاسی است یا خیر.

اسرائیل، که قبل از هرگونه توافق صلح، بر ترتیبات امنیتی اصرار داشته است، با پیوستن نهایی سوریه به توافق‌نامه‌های ابراهیم مخالفت نخواهد کرد، به خصوص اگر جولانی کنترل را تثبیت کند. این می‌تواند بخشی از گسترش منطقه‌ای گسترده‌تر این توافق‌نامه‌ها باشد که در نهایت عربستان سعودی را نیز در بر می‌گیرد.



نقشه‌ای که پیشنهاد اسرائیل برای توافق امنیتی جنوب سوریه را نشان می‌دهد. (۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵)

## این وضعیت به کجا ختم می‌شود

سوریه اکنون با دو سناریو روبرو است. در سناریوی اول، جولانی قدرت را تثبیت می‌کند و رابطه‌ای مدیریت‌شده با اسرائیل را دنبال می‌کند. این امر مستلزم مرزهای آرام، هماهنگی پشت پرده، مشارکت عمومی محدود و خصومت عمومی مداوم - شبیه به مصر

یا اردن - خواهد بود. این امر به دمشق اجازه می‌دهد تا بر با زسازی داخلی تمرکز کند و وضعیت جدید خود را حتی در بحبوحه خشم و نارضایتی‌های نهفته حفظ کند.

سناریوی دوم ناپایدارتر است. این توافق ممکن است یک مانور موقت باشد. هنگامی که جولانی موقعیت خود را تثبیت کند و کنترل دستگاه امنیتی را دوباره به دست گیرد، ممکن است برای مذاکره مجدد یا کنار گذاشتن توافق تلاش کند. این امر به تغییرات در توازن منطقه‌ای و توانایی او در اعلام استقلال بستگی دارد.

اما این امر ریسک‌هایی را به همراه دارد زیرا ایالات متحده و اسرائیل تغییر جهت را تحمل نخواهند کرد می‌توانند به سرعت برای خنثی کردن هرگونه تهدید احتمالی اقدام کنند.

آنچه در سوریه در حال وقوع است، یک تغییر جهت استراتژیک است که ناشی از شکست نظامی و محاصره خارجی است. جولانی چیزی را که بسیاری دیگر از مخالفان نتوانستند درک کنند، درک کرده است: اینکه بهای قدرت، رضایت به اسرائیل و همسویی با واشنگتن است. اینکه آیا این معامله ثبات بلندمدت را به ارمغان می‌آورد یا تفرقه عمیق‌تر، به انسجام داخلی سوریه و تمایل منطقه به پذیرش نظم پس از اسد که با تسلیم در برابر قدرت خارجی شکل گرفته است، نه آزادی ملی، بستگی دارد.

----- **با تقدیم احترامات** «2025-09-27»

